



آشنایی با شیعه پژوهان غربی

ضرورت گسترش تعامل علمی مراکز شیعی و غربی؛ فارغ از مسایل سیاسی

گفت‌وگو با دکتر اندرو نیومن

خاص فکر می‌کردند که دین و به ویژه اسلام در خاورمیانه تحت تأثیر مدرنیته در حال افول است و کم‌کم از بین خواهد رفت. اما با وقوع انقلاب اسلامی و نتایج آن متوجه شدند که کاملاً اشتباه می‌کردند و اصلاً چهارچوب تحلیلی آنها نادرست بوده و مجبور شدند چهارچوب فکری خود را تا حدی تغییر دهند.

متأسفانه در چند دهه گذشته، اکثریت مطالعات تنها بر موضوع حکومت مذهبی و مدنی در زمان غیبت متمرکز شد. اما طی چند سال اخیر نسل جدیدی از شیعه پژوهان غربی ظهور کرده‌اند که با تسلط بیشتر به زبان عربی و البته در کنار آن زبان فارسی، مجدداً تمرکز فعالیت خود را بر مطالعه و پژوهش منابع دست اول و دست دوم شیعه قرار داده‌اند.

آیا به این منابع دست اول دسترسی وجود دارد؟

بله. به‌خصوص آثار دست اول فقهای مشهور دین شیعه که پس از انقلاب به چاپ رسیده‌اند. به هر حال اینترنت و فضای مجازی نیز کمک زیادی در این زمینه کرده‌است و حتی برخی از این منابع قابل دانلود هستند. امروز نسبت به چند دهه قبل، دسترسی به منابع برای پژوهشگران غربی بسیار راحت‌تر شده‌است. البته اکثر این منابع به زبان عربی و فارسی هستند و کمتر به زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند. برای تدریس، نیاز به منابع ترجمه شده به انگلیسی وجود دارد و اگرچه نسبت به ۲۰ سال قبل منابع ترجمه شده زیادی داریم اما هنوز هم در غرب به ترجمه منابع دست اول نیاز مندیم. نسبت به آثار شیعی که در غرب منتشر می‌شود چه نقاط ضعفی را می‌بینید که باید برطرف شود؟

به نظر من یکی از مهم‌ترین کارها، ترجمه مناسب آثار و منابع دست اول به زبان‌های خارجی و به‌ویژه انگلیسی است. در کلاس‌های بنده، از میان ده نفر، هشت نفر علاقه و رقبیتی به فراگیری زبان عربی و فارسی ندارند و لذا برای آنها باید ترجمه انگلیسی منابع دست اول شیعی را ارائه داد.

ارزبایی شما از ترجمه‌های موجود چیست؟

تعداد آنها کم است، ولی بد نیست. چندین مقاله و کتاب اساسی هم وجود دارد. اخیراً یکی از همکاران در ایالت نیوجرسی جلد اول کتاب کافی را ترجمه کرده است.

نیز که در پایین منتشر خواهد شد، در خصوص تشیع است.

به نظر حضرت‌عالی در مطالعات شیعه‌شناسی در غرب، چه عرصه‌هایی بیشتر مورد توجه است؟

به نظر بنده باید آن را به دو مقطع زمانی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تقسیم کرد. پیش از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، اکثریت شیعه پژوهان دو گروه بودند: دسته اول، آنهایی که تشیع و شیعه را از ابتدا تا زمان صفویه مورد بررسی قرار می‌دادند که این دسته از مستشرقان، زبان عربی را به خوبی تسلط داشتند و عمدتاً در موضوعاتی همچون: عرفان، کلام و حتی فقه‌کاری می‌کردند. دسته دوم مستشرقان، آنهایی بودند که به مطالعه تشیع از زمان صفویه تا دوران معاصر علاقه مند بودند و اکثریت آنها اصلاً زبان عربی را نمی‌دانستند، ولی به زبان فارسی مسلط بودند. سؤالات و مسایل این دسته از مستشرقان متفاوت بود و اصولاً در موضوعاتی همچون حکومت مذهبی در زمان غیبت، همچنین رابطه علما و حکومت و... کار می‌کردند.

نکته جالب و مهم آن است که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، اصولاً غربی‌ها به طور عام و این پژوهشگران به طور

یادگرفتم و سپس تز دکتری خود را در خصوص اخباریون و اصولیان و دوره صفویه شروع کردم. من با نوشته‌های علامه مجلسی مانند بحار الانوار آشنا شدم. بعد از آنکه عربی من بهتر شد، تلاش کردم تا تعداد بیشتری از متون اصلی تشیع، به‌خصوص قبل از دوره صفویه را که عمدتاً به زبان عربی است، مطالعه کنم.

نکته جالب در مطالعات من آن است که به مرور فهمیدم در هر سه دین ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام، نوعی حالت انتظار وجود دارد. به عبارت دیگر، اگرچه تفاوت‌های زیادی در میان یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به چشم می‌خورد، اما ویژگی‌های مشترکی هم دارند که یکی از آنها همین موضوع انتظار است. برای بنده بسیار جالب بود که همه ما در حال انتظار هستیم و همه این ادیان توحیدی به حساب می‌آیند.

چه آثاری در خصوص تشیع نوشته‌اید؟ تاکنون سه کتاب درباره تشیع نوشته‌ام: کتاب اول در خصوص مقایسه مدرسه قم و بغداد است که مؤسسه شیعه‌شناسی آن را به فارسی ترجمه کرده است. کتاب دیگر مربوط به دوره صفویه است که حدود ۵-۶ سال پیش به چاپ رسید. کتاب سوم

لطفاً خودتان را برای خوانندگان ما معرفی کنید و اینکه چگونه علاقه مند به عرصه مطالعات شیعی شدید؟

بنده آمریکایی هستم و چندین سال است که در اسکاتلند زندگی می‌کنم. تقریباً سی سال است که با ایران و شیعیان آشنا هستم. برای اولین بار در سال ۱۹۷۴ میلادی به ایران آمدم و در کرمانشاه، تهران و مشهد، زبان انگلیسی درس دادم. در آن زمان با فرهنگ و مذهب شیعه و ایران، برای اولین بار آشنا شدم. من دکترای خود را در لس‌آنجلس گرفتم. در آن زمان یعنی پنج سال پیش از انقلاب اسلامی در ایران، با مطالعه منابع دست اول و دوم شیعه، به زبان انگلیسی و همچنین برخی متون عربی و فارسی، با علامه مجلسی آشنا شدم. البته آثار خوب و چندانی به زبان انگلیسی در خصوص علامه مجلسی وجود نداشت و منابع دست اول تألیف خود علامه مجلسی هم که فارسی و عربی است. به همین دلیل در آن زمان بسیاری از پژوهشگران از آثار ایشان بی‌خبر بودند.

بنابراین با توجه به اینکه اکثر آثار علامه مجلسی به زبان عربی است، لازم دیدم که زبان عربی را به خوبی فراگیرم و لذا طی دو سال در مصر و سپس لس‌آنجلس زبان عربی را



جناب عالی علاقه مندهستید کدام یک از کتب و منابع شیعی ترجمه شود؟ من ترجیح می‌دهم که هرچه زودتر کتب حدیثی ترجمه شوند؛ مثلاً «اصول کافی»، «وسایل الشیعه» و «بحارالانوار»، تا بتوان آنها را سرکلاس ارائه کرد. بنده معتقدم که وقتی سرکلاس در مورد مذهب شیعه صحبت می‌کنم، دانشجو نباید تمام حرف‌های من را قبول کند، بدون آنکه خود منابع دست اول را مطالعه کند و صحت حرف‌های بنده بر او مشخص شود. من به آنها می‌گویم بایستی خودتان منابع دست اول شیعه را بخوانید؛ چون اکثر حرف‌هایی که در خصوص شیعیان در دنیا می‌شنوید نادرست است و اصلاً مفید نیست، ولی منابع دست اول مشخص می‌کند که شیعیان چه اعتقادات و اندیشه‌های دارند.

عده ای معتقدند که مطالعات اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی در غرب، بیشتر بر موضوعات واقعی محقق می‌شود؛ یعنی مطالعه شیعیان آن‌گونه که اکنون ظهور خارجی دارند، نه شیعیان آن‌گونه که در حقیقت آرمانی و اندیشه باید باشند. نظر شما در این خصوص چیست؟ ببینید ما در غرب و شما در ایران و کشورهای خاورمیانه، هر یک دغدغه و اولویت‌های خاص خودمان را داریم. من حجم زیاد فعالیت‌های علمی

در غرب را به بازاری تشبیه می‌کنم که طبیعتاً هر محقق و پژوهشگری بسته به شرایط باید فکر و کالای مورد توجه در آن عرضه کند. واقعیت آن است که در این بازار، فرصت و امکان عرضه اندیشه تشیع و مطالب مربوط به شیعیان حد و وزن محدودی دارد. در اینجا طبیعتاً اولویت اول یک پژوهشگر یافتن کار و کرسی مناسب است، زیرا حتی در آمریکا و اروپا نیز کار کم پیدا می‌شود و شما باید با در نظر گرفتن این واقعیات کار کنید.

بنده خوشبختانه در اینجا یعنی اسکاتلند کاری یافته‌ام و مشغول هستم، ولی همواره به عنوان یکی خارجی محسوب می‌شوم. اگر قرار بود از ابتدا بنده برای همکاری و استخدام در گروه تاریخ بیایم و در خصوص مسایل فلسفی و کلامی صحبت کنم، برای استخدام با مشکل مواجه می‌شدم. ابتدا باید با تأکید بر مسایل تاریخ و حتی سیاسی یک تفاهمی شکل بگیرد و سپس به مرور برخی موضوعات شیعی نیز، البته در درون یک موضوع عام‌تر، مورد توجه قرار گیرد. البته باید بگویم که بسیاری از پژوهشگران در بسیاری از دانشگاه‌های آمریکا نسبت به مسایل اساسی و عمده دین اسلام و مذهب شیعه کم‌اطلاع هستند. در بعضی دانشکده‌های دین، تنها

بعضی از مباحث اسلامی مطرح می‌شود، و مسایل تشیع چندان زیاد نیست که البته این وضعیت رو به بهبودی است. طبیعتاً با این ملاحظات کار در خصوص مسایل فکری، معنوی و حتی کلامی سخت می‌شود.

بنده سرکلاس درس چه در بریتانیا و چه در آمریکا که گاهی حدود صد دانشجو تاریخ حضور دارند، ابتدا نمی‌توانم مشخصاً به تاریخ تشیع بپردازم؛ زیرا باید به موضوعی که فراگیری و عمومیت بیشتری دارد، بپردازم؛ مثلاً تاریخ عمومی اسلام و برخی وقایع بزرگ، مثل هجوم مغول‌ها. پس از آن کم‌کم مثلاً برای دانشجویان در سال چهارم به خصوص برای افرادی که علاقه مندی بیشتری دارند، می‌توان به طور خاص در خصوص شیعه و علایق خود صحبت کنم.

جناب عالی هم اکنون در چه موضوعاتی کار می‌کنید؟

طی ده پانزده سال اخیر، به مطالعه و پژوهش در خصوص حدیث شیعه و اهمیت احادیث شیعه در مسایل مهم و اساسی دین خیلی علاقه‌مند شده‌ام.

اخیراً هم در باره حدیث شیعه کار می‌کنید؟

نسبتاً کم. کار بنده و امثال من نسبت به کارهایی که در قم و نجف

انجام می‌شود، ناچیز و اندک است. همانطور که عرض کردم بنده اینجا خارجی محسوب می‌شوم و باید در چارچوب برنامه محیط کاری خود کار کنم و بعد در کنار آن مسایل و دغدغه‌های خودم را تا جایی که بتوانم پی‌گیری می‌کنم.

به هر حال کار شما مورد توجه بوده و به خصوص کتاب شما در خصوص مکتب قم و بغداد، به عنوان یک کار پژوهشی ممتاز در ایران شناخته می‌شود. من این کتاب را برای غربی‌ها نوشتم و حتی در مقدمه نیز به آن اشاره کردم. به هر حال چند سالی که در ایران بودم، فرصت بیشتری برای اینگونه مطالعات داشتم و برنامه متفاوتی را دنبال کردم.

به نظر ما، کتاب شما قابل استفاده و حاوی ایده‌های خوبی است. این کتاب به دانشجویان رشته شیعه‌شناسی به عنوان یک اثر خوب و الگو معرفی می‌شود تا آنها نیز تلاش کنند از این نوع کارها انجام دهند. سؤالاتی مطرح می‌شود که ناظر به واقعیات است و تنها به مسایل ذهنی و نظری نمی‌پردازد که ما مثلاً تنها به شیوه ایده‌آل و آرمانی مسایل را تحلیل کنیم، بلکه باید تلاش کنیم تا به یک تحلیل واقعی و خارجی برسیم.

این لطف شماست. به هر حال فکر می‌کنم این کتاب می‌تواند نمادی باشد

برای برنامه غربی نسبت به تشیع و اینکه تلاش شود یک گفت‌وگو و تعامل عمومی داشته باشیم. اکثریت مستشرقان می‌گویند که احادیث شیعه و سنی ساختگی است، ولی من تأکید دارم که این نوع نگاه و سؤال اینکه احادیث ساختگی است و یا نه، اصلاً سؤال مفیدی نیست. به نظر من این نکته، مهم‌ترین ویژگی آن کتاب است. من معتقدم که باید سؤالات بیهوده را رها کرده و سؤالات بهتر و مفیدتری بررسی و تلاش کنیم تا پاسخ و تحلیلی بر آن بیابیم.

به نکته خوبی اشاره کردید و واقعیت آن است که اندیشمندان شیعی نیز معتقد هستند که در دوره جدید باید این نوع سؤالات مطرح شود؛ در واقع سؤالاتی که ناظر به مسایل واقعی است. مثلاً نحوه و علت بیان برخی روایات و تأثیری که فضای اجتماعی آن دوره بر آنها داشته و... بعضاً روایات در طول تاریخ، از فضاهای اجتماعی متأثر بودند و طبیعتاً آن جامعه‌ای هم که بر پایه این روایات شکل گرفته از آن فضای اجتماعی متأثر بوده است. لطفاً کمی در خصوص اشخاص و گروه‌های دیگری که در غرب مطالعات شیعه‌شناسانه انجام می‌دهند، خوانندگان ما را مطلع نمایید.

در یک معرفی کوتاه، می‌توان شیعه‌پژوهان کنونی را در سه نسل دسته‌بندی کرد. یکی نسل اول، افرادی مانند ویلفرد مادلونگ، اتان کوهلبرگ که اگرچه فعالیت می‌کنند و آثاری منتشر می‌کنند، اما دیگر مسن شده‌اند. نسل دوم که عمدتاً شاگردان همین افراد هستند، افرادی مثل دکتر رابرت گلیو، لوفت و... از نسل سوم که جوان هستند و عمدتاً شاگردان افراد نسل دوم هستند، می‌توان به افرادی همچون دکتر نجم حیدر و... اشاره کرد که خوب آنها نسبت به دو نسل قبل دسترسی بیشتر و راحت‌تری به منابع دست اول دارند.

اگر دانشجویان جوانی بخواهند وارد این نوع مطالعات شوند، جنابعالی برای آنها چه توصیه‌هایی دارید؟ شرایط برای دانشجویان ایرانی و خارجی متفاوت است. برای دانشجویان غربی، هم اکنون مشکل اساسی یادگیری

زبان فارسی است. در حدود پنج، شش سال اخیر ما نمی‌توانیم دانشجویان را برای فراگیری زبان فارسی به ایران بفرستیم. در گذشته دانشجویان برای فراگیری زبان فارسی به مؤسسه دهخدا فرستاده می‌شدند و قبل از آن نیز به دانشگاه اصفهان. البته طی این دو سه سال اخیر، اعزام دانشجویان به مصر و سوریه نیز برای فراگیری زبان عربی متوقف شد و طبیعتاً این مشکل جدی است.

مشکل دوم، برنامه عمومی مراکز مطالعات شیعی در آن کم و ناچیز است و دانشجویان تنها کمی اطلاعات عمومی دارند و تعداد معدودی از آنان برای یادگیری زبان عربی و فارسی و کسب اطلاعات بیشتر اشتیاق نشان می‌دهند. به نظر بنده، اعزام و تبادل دانشجو فرصت بسیار خوبی است. خود من طی دو سالی (۱۹۷۶-۱۹۷۴) که به منظور تدریس زبان انگلیسی به ایران آمدم، فرصت پیدا کردم و در آشنایی با فرهنگ و عقاید مردم ایران و تشیع استفاده زیادی از این فرصت کردم. در این مدت با مردم و مهربانی ایرانیان آشنا شدم و زبان فارسی را نیز یاد گرفتم. ولی هم اکنون دانشجویان این فرصت را ندارند.

آیا این شرایط به دلیل مسایل و تنش‌هایی سیاسی است؟

بله، متأسفانه زور سیاسیون از فرهنگیان بیشتر است. به نظر بنده تبادل و تعامل فرهنگی و فکری باید فارغ از مسایل سیاسی بین اندیشمندان و پژوهشگران شیعی و غربی صورت گیرد. متأسفانه امروزه در غرب، انعکاس و اطلاع ما از فعالیت‌ها و آثار علمی محققان و مراکز شیعی در ایران اندک است و بعضاً از طریق ارتباطات اندک و محدود و شخصی است.

آیا امروزه سازوکار مشخص و مناسبی برای ارائه آثار شیعی موجود در حوزه علمیه قم و حتی نجف وجود دارد و اندیشمندان غربی از آن اطلاع دارند و یا اینکه تنها بر اساس علائق و ارتباطات شخصی و محدود است؟

بله. اگر حوزه علمیه قم بتواند یک نمایندگی در اروپا بزند و حداقل محصولات حوزه را آنجا معرفی کند یا نمایندگی‌هایی در دانشگاه‌های غربی که در حوزه‌های شیعه‌شناسی کار می‌کنند، داشته باشد و یا به عکس این مراکز در ایران، عراق و لبنان نمایندگی داشته باشند تا از آثار تازه منتشر شده و فعالیت‌های علمی صورت گرفته در خصوص مطالعات شیعی با خبر شوند، کار بسیار مفیدی خواهد بود. ما تقریباً سی سال است که بی‌خبر هستیم و شما هم در ایران معمولاً با کتاب‌های اساسی رشته ماکه در غرب به چاپ می‌رسد، تقریباً بی‌خبر هستید که این شرایط خوبی نیست.

جنابعالی یک سیستم ایمیلی دارید که از طریق آن برای کسانی که در این عرصه کار می‌کنند، اخبار یا آثار جدید را ارسال می‌کنید. کمی در خصوص این سیستم، علت راه‌اندازی و چگونگی آن برای ما توضیح دهید. این سیستم شخصی خود دلیلی بر فقدان یک مرکز و نهاد متولی این کار است. بنده این سیستم را تقریباً پنج سال قبل راه‌اندازی کردم و در حال حاضر حدوداً ۵۰۰ نفر (حقیقی و حقوقی) در سراسر دنیا اعم از: ژاپن، آفریقای جنوبی، آمریکا، ایران، بریتانیا، آلمان و فرانسه و... ارتباط دارم. تلاش کردم تا از این طریق آخرین اطلاعات حوزه شیعه‌شناسی از نظر سیاسی، فرهنگی و علمی و... را مبادله کنم تا بدین وسیله رشته‌ای به نام مطالعات شیعه نمود و ظهور داشته باشد و بتوانیم با هم صحبت کنیم و تبادل فکری داشته باشیم. امیدوارم طی ماه‌های آینده با راه‌اندازی یک وب‌سایت این کار رونق بیشتری بگیرد تا بتوانیم در خصوص فعالیت‌های علمی شیعه‌شناسی بیشتر صحبت کنیم و اطلاع‌رسانی بهتری صورت گیرد.

با یک بررسی در میان اخبار خبرگزاری‌ها در دنیا و حتی کشورهای اسلامی، مشخص است که اکثریت آنها مربوط به حوادث سیاسی است و انعکاس اخبار علمی

و فرهنگی از قبیل: انعکاس همایش‌ها، پژوهش‌های علمی و... مورد توجه نیست که این پدیده برای علاقه‌مندان به مسایل علمی و فرهنگی مشکل ساز شده است.

متأسفانه همینطور است و لذا اکثر اخباری که توسط دوستان برای بنده از طریق همین سیستم ایمیلی ارسال می‌شود، مسایل سیاسی است. طبیعتاً بنده به تنهایی و با این سیستم شخصی نمی‌توانم سایر مسایل را به خوبی پوشش دهم. البته بنده مسایل و اخبار سیاسی مربوط به سه کشور ایران، عراق و لبنان را منعکس نمی‌کنم.

امیدوارم با راه‌اندازی سایت و کمک همه افراد و مراکز علاقه‌مند، یک گام دیگر برای کاهش ضعف اطلاع‌رسانی فعالیت‌های فرهنگی و علمی برداشته شود.

جنابعالی با نشریات مؤسسه شیعه‌شناسی به ویژه فصلنامه شیعه‌شناسی و ماهنامه اخبار شیعیان آشنا هستید. دیدگاه شما در خصوص آن چیست؟

به نظر بنده انعکاس اخبار و گزارشات از شیعیان نقاط مختلف، باعث می‌شود که عموم خوانندگان آشنایی بیشتری با مسایل پیدا کنند؛ زیرا مخصوصاً ما در غرب فکر می‌کنیم که تمام شیعیان ایرانی هستند! در صورتی که شیعیان با ملیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت در کشورهای مختلفی، چه در قالب اکثریت و چه در قالب اقلیت، زندگی می‌کنند. می‌بیند که شیعیان دیگری هم در کشورهای دیگر مانند: افغانستان، پاکستان، هند، آسیای جنوبی، آفریقا، مصر و حتی غرب مثلاً در اسکاتلند، انگلستان و آمریکا حضور دارند که این خیلی جالب است. نکته دیگر اهمیت ترجمه و انتشار آن به زبان عربی، بعد انگلیسی و اردو است که باید مورد توجه و اهتمام باشد.

سخن پایانی شما؟ باید هرچه زودتر در خصوص رونق تبادلات علمی و فرهنگی کاری کرد و فارغ از مسایل سیاسی، تعاملات علمی رونق گیرد.